روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳ • ۱۶ محرم ۱۴۴۶ • ۲۲ جولای ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۸۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۷ • اذان صبح فردا ۳:۲۶ • طلوع آفتاب ۵:۰۶

پروژه‌های عمرانی شهر ساری از آن دست پروژه‌هایی است که یا سالیان سال است پایان نپذیرفته‌اند، یا به‌کندی درحال به سرانجام رسیدن هستند. برخی از این پروژه‌ها نزدیک به ۲۶ سال است که کلنگ‌زنی شده‌اند اما همچنان به دلیل عدم تخصیص بودجه کافی و یا تغییرات مدیریتی، نیمه‌تمام باقی مانده است. عکس: مصطفی شانه‌چی، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

مطالبات

دوربین‌ها را خاموش کنیم؟

هیئت‌مدیره انجمن مستندسازان سینمای ایران نکته‌ای را خطاب به کارگروه انتخاب وزیر فرهنگ بیان کرده است: «روشن‌ترین نشانه برای بی‌توجهی مداوم به امر واقع و حقایق جامعه، این «واقعیت» تلخ است که ما مستندسازان روزانه با آن درگیریم؛ لحظه‌ای که دوربینی را برای ثبت واقعیت روشن می‌کنیم، مجرم تلقی می‌شویم. واقعیت زندگی روزمره مردم ایران از هیچ رسانه عمومی قابل پخش نیست. اگر در هر خیابان و کوچه‌ای در هرکجای ایران برای چند دقیقه دوربین خود را روشن کنیم، اگر بازداشت نشویم، آن فیلم به احتمال زیاد مجوز پخش نخواهد گرفت. به همین سادگی.

آیا وزیری که انتخاب می‌کنید حامی مستندسازان در نگاه به واقعیت و درک حقایق خواهد بود؟ یا او هم خواهد گفت مصلحت این است که دوربین‌ها را خاموش کنید؟». حتما این انجمن صنفی در نظر دارد این کارگروه فقط وظیفه پیشنهاد اسامی به کمیته راهبری را دارند و پس از آن، اسامی به رئیس‌جمهور منتخب پیشنهاد می‌شود و انتخاب نهایی را مسعود پزشکیان انجام می‌دهد؛ اما نکته‌ای که انجمن مستندسازان به آن اشاره کرد، نکته مهمی است و آن افزایش ساخت تعداد فیلم‌های زیرزمینی با وجود افزایش محدودیت‌هاست. محدودیت‌هایی که از سوی نهادها و وزارت ارشاد بر هنرمندان تحمیل می‌شود. درباره شرایط کنونی سینمای ایران می‌توان به واقعیتی که سیدضیا هاشمی، تهیه‌کننده و عضو چهار دوره هیئت پروانه ساخت در یک برنامه سینمایی اشاره کرد، توجه کرد. او اعلام کرده است: «فیلم‌سازی الان قابل کنترل نیست؛ می‌شود فیلم ساخت و کسی متوجه آن نباشد». او به ۳۴ فیلم ساخته‌شده بدون حجاب و بدون مجوز که به جشنواره‌های برلین و کن رفته‌اند، اشاره کرد. البته مدیرکل نظارت بر نمایش فیلم سازمان سینمایی، در هنگام برگزاری مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد که دولت حسن روحانی «بیش از ۵۰ فیلم توقیفی یا بلاتکلیف و بیش از ۴۵ فیلم زیرزمینی و بدون مجوز در ابتدای دولت روی دست مدیران سینمایی بوده است» و این مسئول برای اینکه موضوع را امر عادی قلمداد کند، گفت: «سینماگران می‌دانند افرادی در سینما داریم که بیش از ۲۰ سال است چون کارگردانی بلد نیستند، با هدف قبلی و بدون مجوز و به صورت زیرزمینی فیلم می‌سازند و از این طریق در جشنواره‌ها کاسبی می‌کنند».

خبرخوانی

مرده‌ها حرف نمی‌زنند

ماجرای کشته‌شدن یک زن و خودکشی همسرش بهت و حیرت زیادی را در کانادا و ایران به وجود آورده است.

طبق گزارش پلیس سلطنتی نیوفاندلند، جسد یک زن ۳۳ساله ایرانی که کمتر از دو ماه از ورودش به کانادا گذشته بود، در داخل یک چمدان در منطقه خیابان واتر و نزدیک خیابان اسپرینگدیل پیدا شده است. شش روز از قتل او گذشته بود. پلیس معتقد است که این چمدان در یک زمین خالی در این منطقه رها شده بود. مظنون اصلی این پرونده شوهر زن یعنی یک مرد ۳۴ساله ایرانی پادکستر بود. این چمدان یک روز قبل از پیداشدن جسد شوهر مظنون پیدا شد. او در خانه خودشان خودکشی کرده بود. این ماجرای مرگ «مهدی پورباقی» و همسرش «باران» است، کسی‌که خالق پادکست «آخرین شاهد» بود و حالا خود قاتل شده است. او چند روز پیش عکسی را با همسرش منتشر کرده بود که روایتی درباره دهمین سال آشنایی‌شان بود. براساس تصاویر منتشرشده، تصویر او درحال حمل چمدان در دوربین‌های مداربسته ثبت و ضبط شده است و این سبب ظن به او شد. اما نکته‌ای که این روزها ماجرا را وحشتناک‌تر کرده، شباهت قسمت آخر پادکست «آخرین شاهد» با مشخصات جسد تکه‌تکه‌شده همسر راوی است. این قسمت تکان‌دهنده، آزاردهنده و ترسناک است. کسانی‌که توانستند این قسمت را گوش کنند، گفته‌اند انگار همسرش شاهد یک قتل بوده و این ایده مطرح شده است که نکند این راوی یک قاتل سریالی بوده است. در توضیح قسمت آخر نوشته شده است: «مرده‌ها حرف نمی‌زنن، اما قاتل‌هاشون چرا...».

در انتهای صف

بابک زمانی
نورولوژیست

مردم ایران، بسیاری از آنها که به پزشکیان رأی دادند و احتمالا بسیاری از آنها که رأی ندادند، احساس می‌کنند از روی گودالی مهیب پریده‌اند، اما هنوز خطر سقوط در آن گودال به تمامی از بین نرفته و هرلحظه امکان سقوط هست.

بسیاری از مردم در آخرین لحظات دریافتند که چاره‌ای جز انتخاب ندارند. دریافتند آن‌که انتخاب می‌کنند ضرورتا مطابق ایدئال‌های ایشان نیست و بخشی از سیستمی است که مثل ایشان یا مطابق سلیقه ایشان نمی‌اندیشد و سخن نمی‌گوید و حتی لباس نمی‌پوشد.

اما وقتی به این درک رسیدند که بی‌طرفی میان نیروها، معنایی جز طرف فاجعه را گرفتن نیست، گمان کردند به درک بالاتری از سیاست رسیده‌اند؛ سیاستی که مستقل از اراده و آرزوهای ایشان و حتی مستقل از اراده فردی است که انتخاب می‌شود. تصور کردند ادراک این موضوع که فرد مقهور شرایط است و نه برعکس، نشانه‌ای است از ارتقای تصورات سیاسی ایشان، درست یا غلط!

همین مردم و بسیاری از آنها که رأی ندادند، با رأی بسیار لغزنده پزشکیان (تنها با تفاوت ۹۰۰ هزار نفر در مرحله اول)، چراغ امیدی در دل‌هایشان روشن شده است؛ چراغی که با کورسویی ضعیف ممکن است با هر بادی خاموش شده و به قعر گودال فرو بیفتد. اینها با چشمانی نگران شاهد لحظه‌به‌لحظه رفتارهای رئیس‌جمهور منتخب هستند. می‌فهمند که رفتار او با بخش‌هایی از جامعه که نورچشم‌بودن عادت ایشان در دهه‌های اخیر بوده است، محتاطانه است و می‌کوشد از هر تندروی و رنجاندن کسانی که هنوز اهرم‌های کشور را در دست دارند، پرهیز کند؛ یا خوش‌بینانه این رفتارها را به این حساب می‌گذارند.

بسیاری از آنها که به ایشان رأی داده‌اند و بخش‌های مهمی از کسانی که رأی نداده‌اند، سال‌هاست به جایگاهی در سایه عادت کرده‌اند. آنها حتی در انتهای صف توجه‌شوندگان رئیس‌جمهور نیز نایستاده‌اند تا آن زمانی که رئیس‌جمهوری که با خون دل بسیار و علی‌رغم دشنام‌های برکشیده از دو سو انتخاب کرده‌اند، چون ایشان سخن بگوید، به جاهایی که می‌روند برود و از آرزوهای ایشان بگوید، انتهای همه صفوف جایگاه همیشگی ایشان است؟ خیر! بسیاری از کسانی که به ایشان رأی داده‌اند و بسیاری دیگر که رأی نداده‌اند، با وجود مشکلات بسیاری که دارند، برای خود چیزی نمی‌خواهند.

فاصله عظیم بین کشورشان با کشورهای مجاور، مقایسه فرودگاه امام با فرودگاه استانبول و دوبی با دره‌ای که دهانش هرروز گشادتر می‌شود، زخم بدون مرهم دل‌های ایشان است و رنجی که هرروز مردم حتی مردمی که بخشی از آنها به هر دلیل به طرف مقابل رأی داده‌اند.

بسیاری از آنها که به پزشکیان رأی داده‌اند و بسیاری که اساسا رأی نداده‌اند، حتی در آخر صف هم نیستند. برایشان مهم نیست رئیس‌جمهور منتخب کجا می‌رود و چه کار می‌کند و با چه کسی ملاقات می‌کند و حتی از چه شیوه‌هایی برای دلبری استفاده می‌کند؛ سینه می‌زند یا زنجیر، با مداحان دیده‌بوسی می‌کند یا در بحبوحه انتخابات برای خرید به بقالی می‌رود یا... . آنها که حالا با احتساب تمام ایرانیانی که در اقصی‌نقاط دنیا پراکنده‌اند، قطع نظر از کیفیت و ارزش بالایی که دارند، از نظر تعداد هم اکثریت عظیمی هستند که می‌توانند و باید «ایران آینده» را بسازند.

مدرن‌ترین و دانش‌بنیان‌ترین مردم منطقه که «ایران نوین» الان تنها در اذهان و رؤیاهای آنها به زندگی خود ادامه می‌دهد، با اضطراب و نگرانی، اما در سایه، انتظار روزی را می‌کشند که درنهایت او به وعده‌هایش، پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف و ادامه برجام، خروج کشور از انزوای بین‌المللی که هر مشکلی در کشور به آنها منتهی می‌شود و خروج فلاکتی که همین الان هم هست اما در انزوا بدتروبدتر خواهد شد، صورت تحقق ببخشد.

همه می‌دانند!

آنچه گذشت

بیمار آمریکایی

امیرسیدین

شاید اگر «دونالد ترامپ» در سخنرانی خود در جریان گردهمایی انتخاباتی‌اش در پنسیلوانیا، ثانیه‌ای دیرتر سر خود را چرخانده بود، نام او اینک پنجمین نام در سیاهه رؤسای جمهور آمریکا می‌شد که جان خود را بر اثر ترور از دست داده بودند؛ سیاهه‌ای که نام آبراهام لینکلن، جیمز گارفیلد، ویلیام مک‌کینلی و جان اف کندی در آن قرار دارد.

اما ترامپ تنها رئیس‌جمهور سابق یا درحال کاری نبود که هدف ترور قرار گرفت و از آن جان سالم به در برد. حتی در سال‌های اخیر هم رؤسای جمهور آمریکا از ترورهای چندی جان سالم به در برده‌اند که البته بسیاری از آنها، چندان جدی یا -برخلاف ترور اخیر ترامپ- در آستانه موفقیت نبوده‌اند. مثلا در سال ۱۹۹۴، فرانسیسکو مارتین چند گلوله به سمت کاخ سفید شلیک کرد که با وجود آنکه بیل کلینتون آن روز در کاخ سفید اقامت داشت، اما آسیبی ندید. درست مانند نمونه مشابهی که در سال ۲۰۱۱ برای باراک اوباما اتفاق افتاد، با این تفاوت که او در آن روز اساسا در کاخ سفید حضور نداشت.

از این دو مورد و البته سوءقصد سال ۲۰۰۵ به جورج دبلیو بوش با یک نارنجک دست‌ساز در تفلیس -که احتمالا جز ترساندن جورج بوش و ساکاشویلی، رئیس‌جمهور وقت گرجستان و البته تیم حفاظت‌شان نتیجه‌ای نداشت- که بگذریم، شاید جدی‌ترین سوءقصد به رؤسای جمهور آمریکا را بتوان ترور سال ۱۹۸۱ رونالد ریگان دانست. تروری که به دست جان هینتلی در جریان یک سخنرانی در واشنگتن رخ داد و هدف آن جلب توجه جودی فاستر، ستاره هالیوود، بود که پس از اکران فیلم «راننده تاکسی» به کارگردانی مارتین اسکورسیزی در سال ۱۹۷۶ محبوبیت بسیار یافت و ضارب هم جزء دلدادگان او بود.

مروری بر برخی نتایج ترور رونالد ریگان، احتمالا از این نظر جالب باشد که بررسی آثار آن، می‌تواند تصویری از نحوه واکنش افکار عمومی آمریکا به چنین رویدادهایی به دست دهد و شاید از این مسیر بتوان آثار ترور ترامپ بر رفتار رأی‌دهندگان آمریکایی در انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری را تصور کرد.

واقعیت این است که ترور رونالد ریگان هرچند درست دو ماه بعد از روی کار آمدن او در اولین دوره از ریاست‌جمهوری‌اش اتفاق افتاد، اما محبوبیت او را در نزد افکار عمومی آمریکا چنان ثبات بخشید که میزان آرای او از ۵۰.۸ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۵۸.۸ درصد در سال ۱۹۸۴ افزایش یافت و آرای الکترال ۴۹ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا را به دست آورد.

اما این همه ماجرا نبود. رونالد ریگان در سایه این محبوبیت کم‌نظیر، برنامه‌های خود را بدون مخالفتی جدی پیش برد و در موج قهرمان‌سازی رسانه‌ای از خود، سیاست‌هایش در حوزه‌های مختلف را اجرا کرد. او در دوران ریاست‌جمهوری خود جنگ سرد را پایان داد. لیبی را بمباران کرد، جریان ایران-کنترا را از سر گذراند، با میخائیل گورباچف، رهبر بزرگ‌ترین دشمن آمریکا در آن زمان، دیدار و مذاکره کرد و سال ۱۹۸۹ درحالی کاخ سفید را ترک کرد که دوسوم مردم آمریکا عملکرد او در دوران ریاست‌جمهوری را تأیید کرده و از آن رضایت داشتند. این بالاترین نرخ رضایت از یک رئیس‌جمهور در دوران پس از جنگ جهانی دوم بود. حالا و حدود ۴۰ سال بعد، دونالد ترامپ پس از یک سوءقصد نافرجام احتمالا در همان موقعیتی است که چهار دهه قبل رونالد ریگان آن را تجربه کرد. محبوبیتی که احتمالا نه‌تنها پیروزی در انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری را به او هدیه خواهد داد، بلکه حتی فرصت مناسب برای پیشبرد برنامه‌هایش را نیز به او خواهد بخشید. برنامه‌هایی که برخلاف برنامه‌های ریگان احتمالا تنش‌زدایی در سطح جهان و پایان جنگ سرد را هدف‌گذاری نخواهد کرد. رونالد ریگان در سال ۱۹۵۰ از حزب دموکرات خارج شد و به جمع جمهوری‌خواهان پیوست و پس از آن همواره در لایه‌های میانه‌رو قرمزهای آمریکا سیاست‌ورزی کرد. درست برعکس ترامپ که همیشه افراطی‌ترین بخش جمهوری‌خواهان را نمایندگی کرده و چهار سال نخست ریاست‌جمهوری‌اش نشان داد سوداهای او برای مدیریت جهان تا چه حد می‌تواند جنون‌آمیز باشد.

ترامپ در ماه‌های نخست ریاست‌جمهوری خود، شمار زیادی از سیاست‌های باراک اوباما، رئیس‌جمهوری قبلی را ملغا کرد، آمریکا را از شراکت ترنس-پسیفیک و توافق پاریس خارج کرد و بخش‌هایی از پیمان گرمی روابط با کوبا را لغو کرد. ممنوعیتی بر ورود شهروندان شش کشور با بیشترین مسلمان (ازجمله ایران) را اعمال کرد. خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را امضا کرد و اعمال سیاست «فشار حداکثری» و تحریم‌ها علیه ایران را کلید زد. دیداری تاریخی با کیم جونگ‌اون، رهبر کره‌شمالی، انجام داد و مناسباتش با این کشور را بدون حصول پیشرفتی برای هسته‌ای‌زدایی رها کرد و جنگ تجاری با چین را ترتیب داد. کشیدن دیوار بین مرز آمریکا و مکزیک را شروع کرد و از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد.

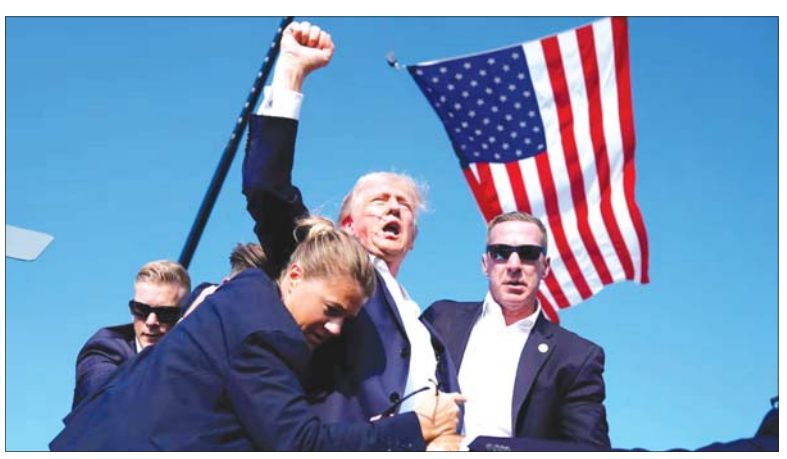

اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و همه اینها در شرایطی انجام شد که او هم محبوبیت روزهای بعد از سوءقصد را نداشت و هم به رأی مجدد مردم آمریکا برای دور دوم ریاست‌جمهوری نیازمند بود.

محبوبیت امروز ترامپ برای همه جهان پدیده نگران‌کننده‌ای است؛ برای ما احتمالا بیشتر.

۲ هفته

سال تحصیلی دانشجویان ورودی‌های جدید دانشگاه‌ها با تأخیر دوهفته‌ای آغاز می‌شود. این تصمیم با توجه به اعلام نتایج نهایی کنکور ۱۴۰۳ در اوایل دهه دوم مهرماه سال جاری، گرفته شده است. قرار است نتایج اولیه نوبت دوم کنکور سراسری ۱۴۰۳ به صورت نمرات خام و نمرات کل کنکور در هفته آخر مردادماه اعلام شود. فرایند انتخاب رشته در دهه اول شهریورماه انجام می‌شود. اسامی قبول‌شدگان به احتمال زیاد دهم و یازدهم مهرماه اعلام خواهد شد.

۷ میلیارد دلار

امیر کشانی عضو اتاق بازرگانی ایران گفت: «ایرانِ کم‌آب، پایین‌ترین قیمت هندوانه را دارد، محاسبات نشان می‌دهد که تولید این محصول سالانه هفت میلیارد دلار به اقتصاد کشور ضرر می‌زند». او به برخی چالش‌های کنونی مانند ناترازی انرژی، بحران آب، قیمت‌گذاری دستوری، دستور انتقال صنایع به دریا، مهاجرت، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و بانک‌ها، نرخ سرمایه‌گذاری، تحریم، FATF، سالمندی جمعیت و... اشاره کرد.

۳۷۴۸ کلاهک

راشاتودی: داده‌های جدیدی نشان می‌دهند که آمریکا در تابستان پارسال، تعداد سه‌هزارو ۷۴۸ کلاهک هسته‌ای را در زرادخانه‌های خود داشته است. آژانس ملی امنیت هسته‌ای آمریکا اعلام کرد که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۳، این کشور ۱۲هزارو ۸۸ کلاهک هسته‌ای را از دور خارج کرده است. این آژانس با اشاره به کاهش ذخایر هسته‌ای آمریکا، تأکید کرد که در سال ۱۹۶۷، تعداد ۳۱هزار و ۲۵۵ کلاهک در اختیار این کشور بود.

شبکه‌خوانی

ما از کاپشن خاطره خوش نداریم

این روزها ویدئوهای زیادی از رفتارهای بدون پروتکل رئیس‌جمهور منتخب در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

او حضور بی‌ریا و صمیمی در هیئت‌های مختلف داشته و برخی هدیه‌های مناسبتی مانند دستمال، پرچم و... به او اهدا شده است. البته بازاریان راه درست‌تری در پیش گرفتند و از این فرصت برای بیان خواسته‌ها و مطالبات خود سود بردند. دیروز نیز بدون رعایت پروتکل در مجلس شورای اسلامی حاضر شد و با همکارانش دیدار و گفت‌وگو کرد.

هرچقدر قالیباف در مقام رئیس مجلس به او خوشامد گفت، یکی از نماینده‌های پایداری -کوچک‌زاده- از او انتقاد کرد. این حضور بدون پروتکل در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. دراین‌میان «رضا کیانیان» نسبت به ظاهر «مسعود پزشکیان» نکاتی را بیان کرد که حرف دل بسیاری بود. او نوشت: «می‌خواستم خواهش کنم لطفا به جای آن کاپشن یک کت سبک تابستانی بپوشید. اصلا کاپشن به درد تابستان نمی‌خورد و در ضمن ما از «کاپشن» خاطره خوشی نداریم. شما چند ماه دیگر باید به نیویورک بروید. خیلی مهم است چه می‌پوشید. لطفا در لباس‌پوشیدن تجدیدنظر کنید. شما آبروی یک ملت هستید. دیگر فقط خودتان نیستید. بگذارید ما و مردم دنیا از دیدن ظاهر شما لذت ببریم. در سازمان ملل عکس‌های شما در همه مطبوعات جهان چاپ خواهند شد. بگذارید ایران به شکل برازنده‌ای به تصویر کشیده شود. لطفا کت‌وشلوار خوب و خوش‌دوخت، کفش مناسب، جوراب‌های هماهنگ و اصلاح موی شکیل داشته باشید. خوش‌لباسی فقط یک ظاهر خوش نیست. یک تفکر است. دوست‌داشتن و فهمیدن زیبایی است. کسی که زیبایی را دوست دارد برای ملت‌اش هم زیبایی خواهد خواست.

زیبایی و متناسب‌بودن ظاهر شما اولین نشانه اندیشه‌های شماست. دومین نشانه، تسلط شما به سخن‌وری است. اینها باعث می‌شوند نمایندگان دیگر کشورها بیشتر به حرف‌های شما گوش بسپارند.

ممنوع‌الفعالیتی هنرمندان ادامه دارد

طی دو سال گذشته تعدادی از اهالی سینما و هنرهای دیگر ممنوع‌الفعالیت شدند. چند روز پیش نیز در گزارشی «شرق» درخواست کرد که «بخش‌نامه حجاب» منتشر شود. هرروز خبری درباره رفتارهای سختگیرانه با هنرمندان منتشر می‌شود.

دیروز خبر رسید که پانته‌آ بهرام به ممنوع‌الفعالیتی خود اشاره کرد. البته او پیش از این هم درباره این محدودیتی که برایش پیش آمده بود، اشاره کرده بود ولی او دراین‌باره نوشت: «شما ممنوع‌الفعالیتی حتی تدریس هم نه! چرا؟ من که کارمندشان نیستم! براساس کدام قانون حراست وزارت ارشاد می‌تواند کسی را...

تکرار کردم «قانون»...».

هفته پیش بود که احترام برومند از ضبط لپ‌تاپ و پاسپورت «لیلی رشیدی» خبر داد. او نوشته بود: «لیلی ناچار به انزوا است. دو سه ماهی به دعوت برادرش برای دیدار برادر و پسرش سینا رفته بود، در فرودگاه، پاسپورت، موبایل و لپ‌تاپش ضبط شد، چمدانش را گشتند، تا مبادا کوچک‌ترین شیء شخصی او از چشم پنهان بماند، کاش دزدان و غارتگران این‌طور رصد شوند، کاش همه دشمنان ما به خطرناکی لیلی و امثال او باشند!».

از نظر وکلا، ضبط خصوصی‌ترین وسایل، بدون هیچ‌گونه دلیل موجهی، معنایی جز «پایمال‌شدن حقوق شهروندی‌تان» نمی‌دهد.

انتظار این است که شرایط برای اهالی هنر بهتر شود و این مشکلات هرچه زودتر برطرف شود.